

Type of Article: Researching

Investigating the Impact of Using “Alternative Punishment to Imprisonment” in Realization of the Religious Aspect of Social Education for Children of Criminals.

Mehdi Abdollahipour¹, Reza Ranjbar², Mohammadmehdi Bashiri³

ABSTRACT

One of the most common criminal punishments in the history of the world's judicial systems is imprisonment. The devastating, negative and unwanted consequences of this punishment can be seen in society; therefore, experts in the present era have proposed a new theory under the title of “alternative punishment to imprisonment”, which has gained great popularity both in scientific and expert communities as well as among the general public. It seems that presenting this idea and its correct implementation, in addition to its psychological impact on the criminal, can also affect human society, especially his family members and children. Based on what was observed during the implementation of this notion, it can be claimed that the adversities and unpleasant consequences resulting from imprisonment have been greatly reduced. In addition, it seems that this plan has been able to be effective in the religious aspect of social education for the children of criminals. The current research aims to determine the effect of using the alternative punishment of imprisonment in the realization of the religious aspect of the social education of the children of criminals with a descriptive-analytical method. The research findings indicate that these effects are: 1) Not destroying the exemplary role of parents in front of their children; 2) Not depriving children of the source of parental love; 3) Maintaining the supervisory and caring role of parents over their children; 4) Preventing children's isolation in social environments.

KEYWORDS: Religious Aspect, Social Education, Imprisonment, Alternative Punishment, Criminals, Children.

1- Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Qom Faculty of Quranic Sciences, University of the Holy Quran, Qom, Iran (corresponding author), abdollahipour@yahoo.com

2- Master's Degree in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Quranic Sciences Qom, University of Sciences and Teaching of the Quran al-Karim, Qom, Iran, reza.ranjbar137676@gmail.com

3- PhD. student of Quran and Hadith Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran, bashir1997.mail@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.





تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

20.1001.1.27833542.1403.4.1.1.2

10.22034/arq.2024.190458

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی آثار به‌کارگیری مجازات جایگزین حبس در تحقق بعد دینی تربیت اجتماعی فرزندان افراد بزهکار

مهدی عبداللہی پور^۱

رضا رنجبر^۲

محمد مهدی بشیری^۳

چکیده

یکی از رایج‌ترین مجازات کیفری در تاریخ نظام‌های قضایی جهان، مجازات حبس است. پیامدهای مخرب، منفی و نامطلوب این مجازات، در جامعه به‌طور محسوس قابل مشاهده است؛ از این‌رو صاحب‌نظران در عصر حاضر، نظریه جدیدی تحت عنوان «مجازات جایگزین حبس» طرح نموده‌اند که هم در مجامع علمی و تخصصی و هم در بین عموم مردم، مورد اقبال فراوانی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد طرح این ایده و البته اجرای صحیح آن، علاوه بر تأثیرگذاری روانی بر فرد بزهکار، می‌تواند بر اجتماع انسانی و به‌ویژه اعضای خانواده و فرزندان او نیز مؤثر باشد. بر این اساس و بنا بر آنچه در مدت اجرای این ایده مشاهده شده است، می‌توان ادعا نمود ناملايمات و تبعات ناخوشایند ناشی از مجازات حبس تا سطح فراوانی کاهش یافته است؛ به‌علاوه ظاهراً این طرح، توانسته در بعد

سال چهارم
شماره یک
پیاپی: ۱۳
بهار ۱۴۰۳



۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران
(نویسنده مسئول)، abdollahipour@yahoo.com

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران، reza.ranjbar137676@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، bashir1997.mail@gmail.com

شایا الکترونیکي
۲۷۸۳-۲۵۴۲
<https://arq.quran.ac.ir>



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

از این رو و با توجه به اهمیت این موضوع، این نوشتار در پی آن است که با روشی توصیفی - تحلیلی و نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که مهم‌ترین آثار به کارگیری مجازات جایگزین حبس در تحقق بعد دینی تربیت اجتماعی فرزندان افراد بزهکار کدام‌اند؟ در مقام پاسخگویی به این پرسش کلیدی، در ابتدا به مفهوم‌شناسی مفاهیمی همچون حبس، مجازات، مجازات جایگزین حبس و بُعد دینی تربیت اجتماعی پرداخته شده و بعداً آن مهم‌ترین آثار به کارگیری مجازات جایگزین حبس در تحقق تربیت اجتماعی فرزندان افراد بزهکار بررسی خواهد شد.

۲. مفهوم‌شناسی

برای پرداختن هرچه بهتر به موضوع و شکل دهی نگاه عالمانه به موضوع حاضر، در نخستین گام مفاهیم دارای ارتباط با عنوان بررسی شود تا با پدیدآوران نگاهی مشترک به مفاهیم، زمینه لازم برای تنقیح و فهم هرچه بیشتر مطالب فراهم شود. مجازات: گرچه، ارباب لغت، مجازات را در دو معنای لغوی پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی به کار برده‌اند (نک: دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه مجازات)؛ اما آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است «جزا دادن در بدی» است؛ به دیگر سخن معنای موردنظر از مجازات، کیفر یا عقوبت بوده که عبارت از جزای افعال نادرست انسان است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱: ۶۱۹). همچنین در تعریفی دیگر، مجازات به معنای عقوبتی دانسته شده که در قانون برای ارتکاب جرم پیش‌بینی گردیده است. به بیان بهتر، مجازات، پاداش فعل یا ترک فعل مجرمانه و ضمانت اجرای جلوگیری از نقض قوانین اعلام شده است (قاضی، ۱۳۷۳: ۶۵۳).

حبس: حبس از نظر لغوی دارای وجوه گوناگون معنایی همچون بازداشتن، بند کردن، بستن، زندانی کردن، مکان زندان و... است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۳: ۱۵۰؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ۳: ۱۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۶: ۴۴). این واژه در اصطلاح کیفری عبارت از زندانی نمودن افراد مجرم پس از محکومیت تلقی شده است. گفتنی است واژه مورد بحث در اصطلاح حقوقی نیز به معنی سلب آزادی تن از شخص در محل معین به مدت نسبتاً طولانی قلمداد گردیده است (اسدی، ۱۳۸۶: ۳۷).

مجازات جایگزین حبس: مجازات جایگزین حبس را می‌توان مجازاتی دانست که میان حبس و آزادی مشروط قرار گرفته‌اند و در حقیقت نه سلب‌کننده آزادی‌اند و نه در معنای آزادی کامل؛ این نوع از مجازات را مجازات بینابین نیز می‌خوانند (آنسل، ۱۳۷۵: ۴۸). مارک آنسل مجازات جایگزین حبس را مجازاتی تعریف می‌کند که برای اجتناب از آثار و عواقب زیان‌بار کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند (حاجی تبار فیروز جانی، ۱۳۸۶: ۷۴). برای نمونه می‌توان به انجام خدماتی از قبیل درخت کاری، گل کاری، پاک‌سازی محیط شهری از زباله‌های خشک، خدمت‌رسانی به معلولان در سرای سالمندان، مطالعه و تلخیص یک یا چند کتاب آموزنده و... اشاره نمود.

تربیت: ریشه واژه تربیت را می‌توان از «ربو، یربو» یا «ربا، ربی» یا «رَبَّ» دانست که به معنای رشد و نمو، افزودن، پرورش جسمی و اصلاح و جمع کردن است (فیومی، ۱۴۰۵، ۲: ۲۱۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ۴: ۲۰ - ۲۱). ریشه «ربی» یا «ربا» نیز از دیدگاه ابن فارس بر زیادی، فزونی و بلندی دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۴۸۳). ابن اثیر نیز می‌گوید: واژه تربیت از ریشه «رَبَب» به معنای اصلاح و تدبیر و سرپرستی کردن، خوب رسیدگی کردن، به اتمام رساندن و کامل کردن است (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ۲: ۱۷۹). البته برخی از مفسران نیز در کتب تفسیری خود همین معانی را برای واژه‌های «رب» و «تربیت» ذکر کرده‌اند؛ اما تربیت از نظر اصطلاحی عبارت است از برنامه‌ریزی و فعالیت محاسبه‌شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی (رهنمایی، ۱۳۸۸، ۱: ۳۸۴) بر این اساس و با توجه به مطالب پیش‌گفته، تربیت دینی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: پرورش جسمی و روحی انسان برای درک هدف نهایی زندگی و آموزش راه‌های رسیدن به آن که سرانجام موجبات سعادت دنیوی و اخروی انسان را پدید خواهد آورد.

۳. آثار مثبت اعمال مجازات جایگزین حبس در بعد دینی تربیت اجتماعی فرزندان

در طول تاریخ، همواره میان مسائل حقوقی - قضائی و نوع انسان، رابطه‌ای

تنگاتنگ و ناگسستنی وجود داشته است؛ به عبارتی از آنجا که دامنه اجرای مسائل حقوقی - قضایی، دایره انسان‌ها است، تصمیم‌گیری درباره میزان مجازات و نیز شیوه اجرای آن درباره هریک از پدیده‌های حقوقی - قضایی، می‌تواند جوامع بشری را مورد تأثیر و تأسی از خود قرار داده و سیر تحول خاصی را در جامعه ایجاد نماید؛ بنا بر آنچه در همه نظام‌های حقوقی - قضایی دنیا مرسوم است یکی از مهم‌ترین مجازات مرسوم و متداول جهان، «مجازات حبس» است؛ گرچه اجرای این مجازات، می‌تواند در تأمین امنیت جامعه انسانی نقش بسزایی داشته باشد؛ اما در حقیقت آسیب‌های آن نیز بر کسی پوشیده نیست؛ به دیگر سخن اجرای مجازات حبس، صرف‌نظر از امکان ایجاد هوشیاری و تبه در فرد بزهکار، می‌تواند به دلیل ایجاد محرومیت یا دست کم محدودیت در او، بزهکار را رسماً از جریان عادی زندگی خارج نموده و خسارات مادی و معنوی فراوانی را به وی تحمیل نماید. به علاوه، چنانچه وی دارای خانواده و زن و فرزند باشد، این آسیب‌ها و خسارت‌ها، به تبع شخص بزهکار، می‌تواند اعضای خانواده او را نیز درگیر کند؛ زیرا در جای خود ثابت شده که مهم‌ترین کانون تشکیل شاکله شخصیت اجتماعی انسان، محیط خانواده است؛ از این رو تربیت اجتماعی فرزندان خانواده افراد بزهکار، در مخاطره بیشتری قرار داشته و آسیب‌پذیری ایشان، می‌تواند، به مراتب بیش از سایرین باشد. از سوی دیگر، گرچه مسئله آسیب‌پذیری این دست از فرزندان، می‌تواند دامنه گسترده‌ای را در برگیرد؛ اما بی‌تردید یکی از مهم‌ترین حوزه‌های آسیب‌پذیر، بعد دینی تربیت اجتماعی آنان خواهد بود؛ بدین قرار می‌توان دریافت آسیب‌های اعمال مجازات حبس نه فقط فرد بزهکار بلکه جامعه انسانی را نیز می‌تواند درگیر نماید.

از این رو در عصر حاضر، نظریه مجازات جایگزین حبس از سوی صاحب‌نظران طرح گردیده و به لطف اجرای آن، بسیاری از آسیب‌ها و پیامدهای منفی مجازات حبس کاهش پیدا کرده یا حتی به‌طور کامل از میان‌رفته است؛ افزون بر آن، پیاده‌سازی این ایده، آثار مثبتی را در سطح جامعه و خانواده به منصفه ظهور گذاشته که از جمله مهم‌ترین آن، اثرگذاری این دست از مجازات جایگزین بر بعد دینی تربیت اجتماعی فرزندان افراد بزهکار است که عبارت‌اند از:

الف) عدم تخریب نقش الگویی والدین

خانواده از مهم‌ترین ارکان اجتماعی است که نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری نظام رفتاری افراد در سطح جامعه ایفا می‌کند. فرزندان در آغاز تولد در بستر این محیط امن رشد نموده و چنانچه به شیوه صحیح و مطلوب پرورش یابند، قدرت تمییز مسائل، اعم از خوب و بد را به‌مرور کسب نموده و آمادگی لازم را به‌منظور به‌کارگیری این مهارت‌ها در سطح اجتماع، به دست خواهند آورد. بدین قرار، نخستین الگوهای عملی در راستای تربیت اجتماعی هر فرد، بزرگ‌ترهای حاضر در خانواده وی ماست؛ به‌ویژه پدر و مادر که می‌توانند بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری شخصیت او داشته باشند. این امر در جای خود ثابت شده (نک: عباسی مقدم، ۱۳۷۱: ۴۱-۴۲) که وراثت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در تربیت فرزندان است. از سوی دیگر، فطرت آدمی در دوران کودکی و نیز اقتضانات و نیازهای جسمی وی باعث می‌شوند که در این دوران، بیشترین ارتباط با والدین صورت پذیرفته و میزان تربیت‌پذیری کودک از والدین بسیار عمیق گردد؛ به‌دیگر سخن، اقتضای دوران کودکی آن است که او با اعتماد و اطمینان، هر رفتاری را که از والدین سر می‌زند، درست و نیک به‌شمار آورده و آنان را الگوی خویش قرار دهد؛ بنابراین روحیه الگوپذیری کودک، می‌تواند فضایی ایجاد کند که خانواده از بستر آن، زمینه پرورش عادت‌ها، خصلت‌ها و خلقیات پسندیده (ناپسند) را در وی فراهم نماید. ناگفته پیداست یکی از زمینه‌های مؤثر در تربیت اجتماعی فرد، توجه پدر و مادر به آموزش مفاهیم دینی به وی است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۱: ۸۹) بدیهی است در خانواده‌ای که آموزه‌ها و تعالیم دینی از سوی والدین رعایت می‌گردد، اصولاً بایست زمینه فراگیری اصول اعتقادی در فرزندان فراهم‌تر باشد؛ حال در سوی مقابل می‌توان خانواده‌ای را در نظر گرفت که یکی از والدین یا هر دو آنان، بزهکاری خاصی را مرتکب شده و به استناد قانون و به حکم دستگاه قضا، مجازات حبس برایشان در نظر گرفته‌شده و زندانی گردند؛ به نظر می‌رسد بعد دینی فرزندان تربیت‌یافته در چنین خانواده‌ای، به دلیل محرومیت از الگوی دینی و اعتقادی مناسب یا عدم امکان بهره‌مندی از آموزش دینی والدین، دچار اختلال شده و

تربیت اجتماعی‌شان، ابتر بماند. چنانچه مجازات جایگزینی برای حبس در نظر گرفته شود، فرزندان افراد بزهکار با تبعات تلخ مجازات حبس، درگیر نشده و از نقش الگویی تربیت والدین خویش محروم نخواهند شد. افزون بر این، فرد بزهکار نیز می‌تواند رندانه و هنرمندانه، بزه خویش را از آنان پنهان نماید تا به الگویی نامناسب برای فرزندان تبدیل نگردد. امام رضا (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «الْمُسْتَبْرِ بِأَلْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً وَالْمُدْبِعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَبْرِ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۴۲۸)؛ پنهان داشتن حسنه، برابر هفتاد حسنه است و فاش کننده گناه مخذول است و نهان کننده آن آمرزیده است. با عنایت به مفاد این روایت، می‌توان دریافت هرچه بزه والدین نزد فرزندان افشا نگردد، تربیت اجتماعی فرزندان در همه ابعاد به‌ویژه در بعد دینی مصون خواهد شد. بدین قرار به کارگیری مجازات جایگزین حبس می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای عدم اشاعه بزه والدین بزهکار نزد فرزندان به شمار آمده و از تخریب تربیت اجتماعی آنان تا حدود زیادی جلوگیری نماید.

ب) عدم محرومیت فرزندان از منبع محبت والدین

یکی از آثار مهم مجازات جایگزین حبس برخورداری کامل فرزندان افراد بزهکار از نعمت محبت والدین است. به دیگر سخن، چنانچه مجازات حبس برای والدین بزهکار، اجرا گردد، سایه محبتی ایشان از فرزندان سلب خواهد شد. حال آنکه، اثربخشی مؤلفه محبت در پرورش صحیح جسمی و روحی فرزند و به‌ویژه در بعد دینی تربیت اجتماعی فرزندان، بر کسی پوشیده نیست. شاید بتوان این سخن از پیامبر اکرم (ص) را به‌منظور اثبات این مدعا، اقامه نمود که فرموده‌اند: «أَجِبُوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۳: ۴۸۳)؛ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و هرگاه به آنان وعده دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان روزی دهنده خود را کسی غیر از شما نمی‌دانند.

بر این اساس روشن می‌گردد یکی از روش‌هایی که می‌توان با استفاده از آن بعد دینی تربیت اجتماعی را در فرزندان نهادینه ساخت، شیوه آموزش از طریق «محبت» است. هرچند این سخن گزاف نیست اگر گفته شود شیوه تربیت

۳. امام صادق (ع) در رابطه با ضرورت به کارگیری عنصر محبت در تربیت فرزندان و جایگاه ارزشی آن در پیشگاه خداوند متعال فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِيَشَدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَايَهُ وَقَالَ لَهُ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ إِنَّ لِي بَنَاتٍ فَقَالَ لَهُ لَعَلَّكَ تَتَمَنَّى مَوْتَهُنَّ أَمَا إِنَّكَ لَوْتَمَنَيْتَ مَوْتَهُنَّ وَمَنْ لَمْ تُؤْجِزِيَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَقَيْتَ رَبِّكَ حِينَ تَلْقَاهُ وَأَنْتَ عَاصٍ» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۲۱۹)؛ خداوند عزوجل به انسان، برای محبت شدید او به فرزندش، رحم می‌کند؛ [در ادامه] عمر بن یزید گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: من دارای چند دختر هستم، حضرت فرمود: شاید انتظار مرگشان را می‌کشی، بدان که چنانچه آرزوی مردن ایشان داشته باشی و بمیرند در آخرت پاداشی نخواهی داشت و با حالت عصیان و گناه خداوند را ملاقات خواهی نمود.

ج) حفظ نقش نظارتی و مراقبتی والدین

از دیگر آثار به کارگیری مجازات جایگزین حبس، حفظ نقش نظارتی و مراقبتی والدین است. امیرالمؤمنین (ع) در وصیت به امام حسن مجتبی (ع) فرموده‌اند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَذْبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ، وَيَشْتَغِلَ لُبُّكَ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق: ۳۹۳)؛ همانا دل نوجوان، مانند زمین کشت نشده است. آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد؛ از این رو پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم. در جای خود ثابت شده که در تربیت اجتماعی افراد، علاوه بر نقش وراثت، محیط و عوامل محیطی نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند و از آنجا که ممکن است فرزندان برای پیمودن مسیر تکامل خود با خطرات و الگوهایی نامناسبی از محیط اجتماعی روبرو گردند، نیاز به مراقبت و نظارت والدین به شدت احساس می‌شود. این در حالی است که در صورت اعمال مجازات حبس برای والدین، این وظیفه نادیده گرفته شده و فرزندان والدین بزهکار، رسماً از سایه نظارت و مراقبت والدین زندانی خویش، محروم خواهند گردید! محرومیت از نقش نظارتی و مراقبتی هریک از والدین به‌ویژه پدر در تربیت فرزندان بسیار آسیب‌زا به نظر می‌رسد؛ پیامبر اکرم (ص) نقش مرد را در نظام خانواده نقش سرپرستی و پاسخگویی اعلام نموده و فرموده‌اند: «وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ» (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ ق، ۳: ۱۴۵۹)؛ مرد سرپرست خانواده خویش است و درباره آن‌ها باید پاسخگو باشد.

بدون تردید نقش نظارتی و مراقبتی والدین تأثیر بسزایی در فرایند تربیت اجتماعی فرزندان، به‌ویژه در بعد دینی خواهد داشت؛ خداوند متعال در قرآن به این نقش اشاره نموده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌هایتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، نگه دارید. بر آن آتش فرشتگانی سختگیر و نیرومند گمارده شده‌اند که از آنچه خدا به آنان فرمان داده است سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که بدان مأمور شده‌اند انجام می‌دهند. محمدجواد مغنیه در تفسیر آیه یادشده آورده است: «مراد از این آیه شریفه برانگیختن احساس مسئولیت مؤمنان در رابطه با خانواده و فرزندان است. درواقع همان‌گونه که فرد خود را در برابر آینده فناپذیر فرزندان خود مسئول می‌داند، باید در برابر آینده فناپذیر آنان نیز احساس مسئولیت کرده و در رابطه با آن حساس باشد» (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۷: ۳۶۵-۳۶۶). شاید بتوان سخن این مفسر را برداشتی از حدیثی از پیامبر اکرم (ص) دانست که فرموده‌اند: «أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَايِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْضُ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ۱۵: ۱۶۴)؛ پیامبر اکرم (ص) به برخی از کودکان نگاه کردند و فرمودند: وای بر اولاد آخرالزمان از دست پدرانشان! سؤال شد یا رسول‌الله: آیا از پدران مشرک آنان اعراض می‌کنید؟ فرمودند: خیر. از دست پدران مؤمن آنها، چون واجبات دین را به فرزندان‌شان نمی‌آموزند و اگر اولاد آنها بخواهند که بیاموزند، آنان را منع می‌کنند و تنها به این قانع هستند که فرزندان‌شان از مال دنیا چیزی را به دست آورند. من از آنها بیزارم و آنها هم از من بیزارند.

گذشته از این، نادیده گرفتن یا حتی کمرنگ شدن نقش نظارتی و مراقبتی والدین، ممکن است عزت نفس فرزندان را کاهش داده و آنان را گرفتار اختلالات تربیتی نماید؛ به عبارتی از جمله مهم‌ترین دستاوردهای نظارت و مراقبت والدین نسبت به فرزندان، حفظ و حتی ارتقای عزت نفس آنان قلمداد می‌گردد. حال

چنانچه والدین به دلیل بزهکاری، محکوم به تحمل زندان گردند، در نبود ایشان، فرزندان به دلیل آگاهی دیگران از مجازات والدین، ممکن است مورد بی احترامی و سرزنش اطرافیان و دوستان و آشنایان قرار گیرند؛ بدیهی است این امر به شدت شخصیت اجتماعی فرزندان را تخریب نموده و عزت نفس را در آنان، مخدوش خواهد ساخت که همین مسئله می تواند این دسته از فرزندان را گرفتار بیماری های روحی و روانی فراوان گرداند؛ از این رو امام صادق (ع) فرموده اند: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدَلِيلَةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ق، ۵: ۸۷۴)؛ هیچ مردی تکبر و زورگویی نمی کند، مگر به سبب ذلتی که در خود می بیند.

از این بیان حضرت، به روشنی می توان دریافت، دو بیماری معنوی تکبر و زورگویی زاییده اختلال در عزت نفس آدمی است؛ از این رو چنانچه مجازات جایگزین حبس، اعمال گردد عملاً راه برای سلب مراقبت و نظارت والدین نسبت به فرزندان، بسته شده و از پی حضور والدین و حس سایه مراقبتی و نظارتی ایشان، به نظر می رسد، عزت نفس فرزندان، حفظ گردیده و حتی تقویت هم خواهد شد. گفتنی است پدر و مادر می توانند در راه تحقق مسئولیت نظارتی و مراقبتی خود از شیوه های تشویقی و تنبیهی نیز بهره ببرند؛ زیرا با به کارگیری این روش بین درستکار و بدکار تفاوت گذاشته می شود که آثار بسیار مفیدی را در تربیت اجتماعی فرد به همراه خواهد داشت (بهشتی و فقیهی، ۱۳۸۰: ۶۵).

د) جلوگیری از انزوای فرزندان در محیط های اجتماعی

از آنجا که در بسیاری از آموزه های دین اسلام، به حفظ روحیه اجتماعی شهروندان مسلمان و پرهیز از تفرّد ایشان تأکید شده، مکتب اسلام را می توان مکتبی اجتماعی و جامعه ساز تلقی نمود؛ از این رو قرآن کریم در آیه ۲ سوره مائده فرموده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ شما مؤمنان یکدیگر را در نیکوکاری و تقوایشگی یاری دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید. شاید مهم ترین پیام این آیه توجه به مسئله تعاون اجتماعی و توصیه به دخالت در امور اجتماعی، به ویژه در حوزه مسائل دینی باشد. این در حالی است که بزهکاری والدین و از پی آن، تحمل مجازات حبس از سوی ایشان می تواند موجب سرخوردگی فرزندان شان گردیده و در انزوا

فِي الصَّلَاةِ حَدَّثُ قَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا خَفَّفْتَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صِرَاعَ الصَّبِيِّ؟» (همان، ۲۱: ۸۴)؛ [روزی] رسول خدا (ص) نماز ظهر را با مردم به جماعت برپا می نمودند؛ اما دو رکعت آخر را با سرعت اقامه کردند. پس از نماز، مردم پرسیدند: یا رسول الله، آیا در نماز اتفاقی افتاد؟ حضرت فرمودند: مگر چه شده است؟ عرض کردند: دو رکعت آخر را با سرعت ادا کردید. فرمودند: مگر صدای شیون و گریه کودک را نشنیدید؟

این مشرب و سیره عملی رسول خدا (ص)، ضمن اینکه بر حضور خردسالان و شیرخوارگان در محیط‌های اجتماعی مذهبی، مهر تأیید خواهد زد؛ با توجه به نقش الگویی حضرت در میان امت خویش و بلکه در همه جوامع انسانی، همگان را برای انجام و اجرای آن تشویق و رهنمون می سازد.

بر این اساس، این حقیقت روشن خواهد شد که چنانچه افراد بزهکار، به تحمل مجازات حبس محکوم شوند، فرزندانشان به دلیل عدم بهره‌مندی مستمر از وجود سرپرست به‌ویژه در دوران زین و تأثیرگذار کودکی و خردسالی، شاید هرگز نتوانند از این موقعیت و ظرفیت ممتاز استفاده نموده و روحیه اجتماعی گری را در خویش تقویت نمایند؛ از این رو به نظر می‌رسد به گوشه‌گیری و انزوا روی آورده و حتی از حضور در محیط‌های اجتماعی مذهبی نیز پرهیز خواهند کرد که آسیب‌های فراوان ناشی از آن در سایر دوران زندگی بر احدی پوشیده نخواهد بود؛ بنابراین وضع و تصویب مجازات جایگزین حبس، از جمله اقدامات قضایی شایسته است که دستگاه‌های عدلیه در سراسر دنیا، به‌ویژه قوه قضاییه جمهوری اسلامی به آن روی آورده‌اند.

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر به دلیل آثار و پیامدهای زیان‌بار مجازات حبس از یکسو و عدم توفیق چندان آن در بازپروری بزهکاران از سوی دیگر، نظریه مجازات جایگزین حبس در دستگاه‌های قضایی دنیا از جمله دستگاه قضای جمهوری اسلامی، مطرح شده و در حال اجرا است. تصمیمی که انتظار می‌رود مصونیت فرد بزهکار را از عوارض و پیامدهای ناگوار حبس تا اندازه قابل توجهی تأمین نماید. گفتنی است مجازات حبس، افزون بر تأثیرگذاری منفی احتمالی بر فرد بزهکار، می‌تواند ابعاد تربیتی خانواده، نزدیکان و به‌ویژه فرزندان وی را نیز هدف قرار

وراثتی، مؤلفه‌های محیطی نیز می‌تواند در تربیت اجتماعی فرد، اثرگذار باشد؛ از این رو مراقبت و نظارت والدین نسبت به امر تربیت اجتماعی فرزندان، به‌ویژه در بعد دینی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و انکار نشدنی است. این در حالی است که در صورت اعمال مجازات حبس برای والدین، این وظیفه نادیده گرفته شده و فرزندان والدین بزهکار را در مسیر تکامل و تربیت اجتماعی که مسیری پر مخاطره است، تنها و بدون نظارت خواهد گذاشت. از این رو، در آموزه‌های دینی، محرومیت از نقش نظارتی و مراقبتی هریک از والدین به‌ویژه پدر، در تربیت فرزندان بسیار آسیب‌زا اعلام شده است.

۴. جلوگیری از انزوای فرزندان در محیط‌های اجتماعی: از آنجاکه در بسیاری از آموزه‌های دین اسلام، به حفظ روحیه اجتماعی شهروندان مسلمان و پرهیز از تفرّد ایشان تأکید شده، مکتب اسلام را می‌توان مکتبی اجتماعی و جامعه‌ساز تلقی نمود؛ از سوی دیگر بنا بر آنچه در مجموعه تعالیم دینی یافت می‌شود، حضور در مکان‌ها و برنامه‌های اجتماعی مذهبی مانند نماز جماعت مساجد، به دلیل برخورداری از برکات و منافع فراوان، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است؛ چه اینکه هراندازه میزان مشارکت و فعالیت در این گونه محیط‌های اجتماعی بیشتر باشد، نگرش‌های دینی والاتری نصیب انسان خواهد شد. چنانچه این ارتباط با مکان‌های مقدس و حضور در برنامه‌های اجتماعی مذهبی، از دوران کودکی و خردسالی شکل بگیرد، امکان نهادینه‌سازی و استمرار آن، در سایر دوران زندگی فرد، طبیعتاً بیشتر خواهد بود. بر این اساس، این حقیقت روشن خواهد شد که چنانچه افراد بزهکار به تحمل مجازات حبس محکوم شوند، فرزندانشان، به دلیل عدم بهره‌مندی مستمر از وجود سرپرست، به‌ویژه در دوران زریں و تأثیرگذار کودکی و خردسالی، شاید هرگز نتوانند از این موقعیت و ظرفیت ممتاز استفاده نموده و روحیه اجتماعی‌گری را در خویش تقویت نمایند؛ از این رو، در معرض خطر گوشه‌گیری و انزوا قرار گرفته و ممکن است حتی از حضور در محیط‌های اجتماعی مذهبی نیز پرهیز نمایند که آسیب‌های فراوان ناشی از آن در سایر دوران زندگی بر احدی پوشیده نیست.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

- ۱- ابن اثیر، علی ابن محمد، (۱۴۰۹ ق)، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، بیروت، دارالفکر.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، بی نا.
- ۳- ابن فارس، ابوالحسین احمد، (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغة*، بی جا: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ۴- اسدی، احمد، (۱۳۸۶)، *پیش به سوی جایگزین های نوین: نقدی بر مجازات حبس*، چاپ اول، تهران، انتشارات کوهسار.
- ۵- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- ۶- آنسل، مارک، (۱۳۷۵)، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- باهنر، ناصر، (۱۳۸۳)، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد*، تهران، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۸- بهشتی، محمد و فقیهی، علی نقی، (۱۳۸۰)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۹- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ ق)، *الصحاح*، چاپ اول، بیروت، بی نا.
- ۱۰- حاجی تبار فیروز جانی، حسن، (۱۳۸۶)، *با دیباچه علی صفاری، جایگزین های حبس در قانون کیفری ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
- ۱۱- حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، آل البیت.
- ۱۲- حسینی بهشتی، سید محمد و دیگران، (۱۳۸۱)، *آزادی، هرج و مرج، زورمداری*، تهران، انتشارات بقیعه.
- ۱۳- رهنمایی، احمد، (۱۳۸۸)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۴- شریف رضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، *نهج البلاغه (للصباحی صالح)*، چاپ اول، قم، هجرت.
- ۱۵- شهیدی، جعفر، معین، محمد، گروهی از نویسندگان و دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، روزنه.
- ۱۶- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۷- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۸- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق)، *مکارم الأخلاق*، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی.

- ۱۹- عباسی مقدم، مصطفی، (۱۳۷۱)، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۰- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، بی‌نا.
- ۲۱- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۰۵)، المصباح المنیر، قم، مؤسسه دار الهجره.
- ۲۲- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، الوافی، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- ۲۳- قاضی، ابوالفضل، (۱۳۷۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- ۲۵- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران، دار الحديث.
- ۲۷- مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ ق)، صحیح مسلم، چاپ اول، قاهره، دار الحديث.
- ۲۸- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۹- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ ق)، التفسیر الکاشف، چاپ اول، قم، دار الکتب الإسلامية.
- ۳۰- نوری، حسین، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

REFERENCES

The Holy Quran.

- 1- Abbasi Moghaddam, Mostafa, (1371), The Role of Osweh in Tabligh and Education, Tehran, Publishing Organization of Islamic Tablighat.
- 2- Al-Alousi, Mahmoud bin Abdullah, (1415 A.H.), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem wa Al-Sab' al-Mathani, first edition, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiya, Muhammad Ali Beydoun Publications.
- 3- Al-Hurr Al-Amili, Muhammad bin Hasan, (1414 AH), Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'ah, Qom, Al al-Bayt (AS).
- 4- Ansel, Mark, (1375), Social Defense, translated by Mohammad Ashuri and Ali Hossein Najafi Abrandabadi, third edition, Tehran, Tehran University Press.
- 5- Asadi, Ahmad, (1386), Towards New Alternatives: A Critique of Imprisonment, First Edition, Tehran, Koohsar Publications.
- 6- Bahonar, Naser, (1383), Teaching Religious Concepts in Sync with Developmental Psychology, Tehran, Islamic Tablighat Organization International Publishing.
- 7- Beheshti, Mohammad and Faqih, Alinaqi, (1380), Muslim Scholars' Opinions on Education and its Basics, Qom, Howzah University Research Institute.
- 8- Dehkhoda, Ali Akbar; Shahidi, Jafar; Moin, Mohammad, et al. (1373), Dehkhoda Dictionary, Tehran, Rozaneh.
- 9- Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1409 AH), Kitab al-Ain, second edition, Qom, s.n.
- 10- Fayyumi, Ahmad bin Muhammad, (1405), Al-Misbah al-Munir, Qom, al-Hijrah institution.
- 11- Feyz Kashani, Muhammad Mohsen bin Shah Mortaza, (1406 AH), Al-Wafi, first edition, Isfahan, library of Imam Amir al-Mominin Ali (AS).
- 12- Ghazi, Abolfazl, (1373), Constitutional Rights and Political Institutions, Vol. 1, Tehran, Tehran University Press.
- 13- Haji Tabar Firouzjani, Hasan, (1386), Introduction by Ali Safari, Alternatives to Imprisonment in Iran's Criminal Law, first edition, Tehran, Ferdowsi Publications.
- 14- Hoseini Beheshti, Seyed Mohammad et al., (1381), Freedom, Anarchy, Brutality, Tehran, Boqeh Publications.
- 15- Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad, (1409 A.H.), Usd al-Ghabah fi Marifah al-Sahabah, Beirut, Dar al-Fikr.
- 16- Ibn Faris, Abul Hussain Ahmad, (1404 AH), Mu'jam Maqayis al-Lughah, n.p: Maktabah Al-Ilam al-Islami.
- 17- Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, third edition, Beirut, s.n.
- 18- Jawhari, Ismail bin Hammad, (1376 AH), Al-Sihah, first edition, Beirut, s.n.
- 19- Kulaini, Muhammad bin Yaqub, (1407 AH) Al-Kafi, fourth edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- 20- Majlisi, Mohammad Baqir, (1404 AH), Miryah al-Aqool fi Sharh Akhbar al-Ar-Rasoul, second edition, Tehran, Dar al-Hadith.
- 21- Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar, Beirut, Dar Ihya al-Turath

al-Arabi.

22- Mostafavi, Hasan, (1360), Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim, Tehran, translation and publication of books.

23- Mughniyeh, Muhammad Javad, (1424 AH), Al-Tafsir al-Kashif, first edition, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.

24- Muslim bin Hajjaj, (1412 AH), Sahih Muslim, first edition, Cairo, Dar al-Hadith.

25- Nouri, Husein, (1408 AH), Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail, first edition, Qom, Al al-Bayt (AS) Foundation.

26- Rahnemaei, Ahmad, (1388), Philosophy of Education, Qom, Publications of Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.

27- Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babwayh, (1413 AH), Man La Yahduruh al-Faqih, second edition, Qom, Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Association.

28- Sharif Radi, Muhammad bin Husain, (1414 AH), Nahj al-Balaghah (Sobhi Salih Ed.), first edition, Qom, Hijrat.

29- Tabarsi, Hasan bin Fazl, (1412 AH), Makarim al-Akhlaq, fourth edition, Qom, al-Sharif al-Razi.

30- Tabatabaei, Seyed Muhammad Hussein, (1390 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, second edition, Beirut, Al-Alami Publishing House.

